

پژوهشی

اثبات اصالت مهربانی در اسلام

علیرضا ذاکری^{۱*}، محمدرضا رضوان طلب^۲، محمدجواد محمدی^۳

چکیده

زمینه و هدف: «مهربانی»، حقیقتی انسانی است که نه تنها در رابطه بیمار و پزشک نقش ایفا می‌کند؛ بلکه تحقیقات دانشمندان تجربی حاکیست رحمت و شفقت می‌تواند در پیشگیری یا کنترل برخی بیماری‌ها مؤثر باشد. از طرفی اسلام به عنوان دینی الهی منبع فضائل انسانی من جمله مهربانی است و از آن زاویه می‌تواند اهداف فرهنگی و بهداشتی را حمایت کند.

روش: این پژوهش توصیفی - تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای (سنتی و مدرن) گردآوری و از بانک‌های معتبر علمی در بستر اینترنت نیز استفاده شده است.

یافته‌ها: کتاب الهی اسلام یعنی قرآن، الله را با دو نام با ریشه رحمت معرفی می‌کند و تقریباً تمامی سوره‌های آن با این دو نام، خالق را معرفی می‌کند و کلماتی هم‌خانواده و هم‌معنای مهربانی به صورت وافر در آن مشاهده می‌شود و سایر اسماء الحسنی نیز به پروردگاری واحد و مهربان اشاره می‌کنند گرچه معنای آن‌ها مستقیماً مهربان نباشد. همچنین پیامبران به‌ویژه پیامبر اسلام و سایر اولیاء الهی که بزرگترین مفسران کتب الهی و قرآن هستند همواره با فضیلت رحمت شناخته و الگوی فرهنگی جهانی قرار داده شده‌اند.

نتیجه‌گیری: ۱- جایگاه مهربانی در اسلام اصیل است. ۲- اسلام بدون تقدم فضیلت مهربانی در تفسیر و زندگانی نیاز به بازشناسی دارد. ۳- تمرکز بر مهربانی در اسلام می‌تواند نقش مؤثری در سلامت به‌ویژه سلامت معنوی و سپس سلامت روانی داشته باشد. ۴- لازم است پژوهش‌های بیشتری در دو حوزه علوم اسلامی و تجربی برای دریافت اهمیت مهربانی در بهداشت با نگاهی بومی صورت پذیرد.

کلید واژه‌ها: تحقیق میان رشته‌ای، تفسیر، سلامت، مهربانی

مقدمه

کنند و مفهومی یکسان از لحاظ نظری و تجربی ارائه کنند و نتیجه گرفته شده که مهربانی باید در فرآیندهای عاطفی، شناختی، رفتاری و بین فردی باشد و براساس شواهد عصب شناختی و فیزیولوژی مغز و اعصاب می‌توان آن را در قالب بین فردی و اجتماعی در نظر گرفت (Khoury, Bassam, 2019). پژوهشی گروهی که پیرامون دینداری، معنویت و خوشبختی در مورد بیماران عصبی صورت گرفت چنین منتج شد که ممکن است معنویت وجودی کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی در میان بیماران بالغی که مبتلا به بیماری اعصاب و روان می‌باشند را بهبود بخشند. همچنین در این تحقیق به نوعی مراقبه عشق - مهربانی و پذیرش و شفقت برای همه موجودات زنده اشاره شده است که به افزایش شادکامی و کاهش افسردگی اجتماعی می‌انجامد و به نتیجه تحقیقاتی براساس تصویرسازی تشدید مغناطیسی کارکردی (fMRI) ارجاع می‌دهد که ممکن است مراقبه مهربانی با تغییر اتصال شبکه عصبی، پردازش عاطفی را تحت تأثیر قرار

یافته‌های اولیه پژوهشگران در مطالعات عصبی و غدد درون‌ریز و مطالعات تصویربرداری عصبی نشان می‌دهد ممکن است مراقبت‌هایی که ریشه در عشق، مهربانی و شفقت دارند تأثیرهای مثبتی در کاهش پریشانی ذهنی ناشی از استرس داشته باشد یا باعث تقویت مناطقی در مغز شوند که در پردازش احساسات و همدلی نقش دارند، در نتیجه اگر با درمان‌های پشتیبانی شده تجربی مانند درمان شناختی - رفتاری همراه باشد چنین مراقبه‌هایی ممکن است استراتژی‌های بالقوه و مفیدی برای رویارویی با انواع مشکلات روانشناختی بین فردی مانند افسردگی، اضطراب اجتماعی، اختلافات زناشویی، عصبانیت و تحمل فشار ناشی از مراقبت و پرستاری‌های طولانی‌مدت باشد (Hofmann, Stefan G. & others, 2011). همچنین برخی با بررسی مفهوم مهربانی یا شفقت به خود و دیگران با تأکید ویژه بر شواهد عصبی و فیزیکی بر آن شده‌اند تا مهربانی به خویش و دیگران را عملیاتی

۱. * نویسنده مسئول: و دانشجوی دکتری الهیات، دانشگاه تهران

۲. دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات

۳. استادیار دانشگاه تهران، دانشکده مطالعات جهان

مفهوم شناسی

اصالت

اصالت واژه‌ای عربی به معنای اصل بودن و اصل، به ریشه درخت و پایه و قاعده اشیا اطلاق می‌شود؛ در این معنا توسعه داده شده‌است و گفته‌اند: هر چیزی که وجود چیز دیگری به آن متکی باشد، اصل می‌باشد از این روی پدر (یا مادر) اصل فرزند می‌باشند همچنین اصل آنست که بر آن ابتناء و ساختن صورت گیرد (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۸) همچنین معدن، مبتدأ و مبدأ نیز از معانی اصل دانسته شده است یعنی مکان اولیه چیزهایی مانند طلا و نقره و ... (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۲).

مهربانی

مهربانی یا رحمت مترادف با مَرَحْمَت، رُحْم، رَأْفَت، حَنَان (فراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۸۲ و ج ۳، ص ۲۹) که طبق تعریفی اگر از سوی خداوند لحاظ شود، برخوردار کردن و فزونی بخشیدن و اگر از سوی آدمی باشد، نوعی رقت و شفافیت قلب دانسته می‌شود که با تعطف، عاطفه ورزیدن و نوعی انعطاف همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷)؛ در تعریفی دیگر، رحمت برخوردار کردن شخص نیازمند بدون انتظار جبران، می‌باشد. (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۵۳) در نهج البلاغه و تفسیر نورالثقلین، تفاوت بین مهربانی خداوند و غیر او را در این دانسته‌اند که گرچه، هم خداوند و هم انسان متصف به رحیم می‌شوند ولی خداوند متصف به صفت انسانی رقیق القلب نمی‌شود. (سیدرضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۸ و حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴) و ابراهیمی، (۱۳۹۵). بر این اساس می‌توان مهربانی را نوعی انتقال ماده یا انرژی مطبوع از موجودی به موجود دیگر دانست که با ۳ عامل همراه است: ۱. اختیار ۲. قابلیت و ظرفیت ۳. نیاز

الله، الرحمن، الرحیم

الله اصلی‌ترین نام الهی است که معانی مختلفی برای آن قائل شده‌اند که ریشه در پرستش، واله شدن و پنهان بودن دارد (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۶۴/ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲)؛ در اولین آیه قرآن، اولین بار به این معبود با نام الرحمن اشاره می‌شود، به اسمی که در دل خود مهرآفرینی (آفرینش به همراه مهربانی) و مهرگستری نهفته است و بلافاصله او را الرحیم معرفی می‌کند، مهربانی که با مؤمنان به صورت ویژه رفتار می‌کند (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۲۰۳/ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۰۳) افرادی که به آفریدگاری مهربان ایمان دارند و هر کار ایشان که با این شعار بندگی و مهربانی آغاز نشود ناقص است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸۳) و بدون همراهی دائم با الهِ رَحْمَنِ رَحِیم، دو نامی که ریشه در ماده الرحم یا مهربانی دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۲۴)، نقطه ضعفی در ایمان مؤمن پدید می‌آید.

دهد (Wade, James B. & others, 2018). ونگ و همکارانش که به آموزش دادن مهربانی می‌اندیشند بر این اندیشه‌اند که نوع دوستی پاسخ‌های عصبی به رنج را تغییر می‌دهند و براساس تصویرسازی تشدید مغناطیسی (fMRI) به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان با آموزش دادن، مهربانی و شفقت را پرورش داد و ممکن است با درک رنج دیگران کنترل اجرایی، عاطفی و پردازش پاداش حاصل شود (Weng, Helen Y. & others, 2013). همچنین در اثر ۴ هفته مراقبه مهربانی در مورد بیمارانی که از مرحله آخر بیماری کبد رنج می‌بردند به همراه مراقبان این بیماران دریافتند افسردگی در شرکت کنندگان مطالعه کاهش و کیفیت خواب مراقبان‌شان بهبود یافت (Bajaj, J & others, 2017).

رییس پیشین انجمن روانشناسی آمریکا و پدر روانشناسی مثبت، مردم ایالات متحده در روزگاری که بیشتر به کلیسا می‌رفتند در سلامت روانی بیشتری می‌یابد (سلیگمن، ۱۳۹۵، ص یازده)؛ ون‌کاپلن به همراه رییس سابق انجمن روان‌شناسی مثبت باربارا ال. فردریکسن و همکاران در مقاله‌ای مستقل به ارتباط مثبت بهبودی و دیانت پرداخته‌اند و نقش واسطه‌ای احساسات مثبت شامل فضیلت مهربانی، را برجسته دانسته‌اند (Van Cappellen and others, 2016). پیش از آن نیز پترسون و سلیگمن در قالب کاری تیمی، فضایل انسانی منجمله مهربانی را مورد بررسی قرار داده‌اند (Peterson, Seligman, 2004, pp 325-336). تحقیقات پژوهشگران تجربی از جهتی و از جهت دیگر اسلام با پیشینه‌ای تاریخی و به‌وسیله توصیه‌های متعددی به تجربه‌های بشری احترام گذاشته و عقل - که جایگاه والایی در دین دارد - را با تجارب، همراه دانسته است، به گونه‌ای که دین‌مدار نباید خود را از تجارب سایرین - و از افراد آن علوم تجربی - محروم کند (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۸۱-۸۵/ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۸۴) و اندیشمندان حوزه پزشکی و دین که در ارائه یک نظریه در پائل هم اندیشی شرکت کردند بیان کردند برای ارتقای سلامت معنوی اسلامی مواردی مانند «تبیین و ترویج مفاهیم و مصادیق» و «توسعه دانش و نگرش و مهارت‌های فردی» ضروری است (مروندی، سیدعلیرضا و همکاران، ۱۳۹۸). مهربانی به عنوان رکنی در سلامت معنوی نیاز به تبیین و سپس ترویج مفاهیم و مصادیق آن و ترویج مهارت‌های مربوط به آن را دارد؛ تحقیقاتی که گذشت بیشتر بر روی تأثیر مهربانی بر سلامت روانی تمرکز دارند که رابطه تنگاتنگی با سلامت معنوی دارد که این دو در کنار سلامت اجتماعی و جسمانی از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی ۴ بُعد از سلامت شمرده می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۵)، این همه، پیرامون اخلاق، سلامت، معنویت، دیانت و دیدگاه‌های امروزی و تاریخی درباره آن‌ها این سؤال و سؤالات مشابهی را طرح می‌کند که جایگاه مهربانی در اسلام کجاست؟ در اسلام به عنوان دینی تاریخی که نگرش‌ها و تفسیرهای مختلف امروزه چهره‌های گوناگون و گاه متناقضی از آن دین واحد و توحید را به نمایش جهانیان می‌گذارد؛ مهربانی چه نقشی ایفاء می‌کند؟

ارتباط خالق و خلقت با مهربانی و رحمت

از شبانه‌روز که خورشید در نقطه‌ای خاص قرار می‌گیرد اشارتی به جایگاه ویژه رحمت الهی دارد. همچنین این آیه به عنوان آیه آغازین کتاب - خدا که در آن نام‌هایی از خداوند برشمرده شده است بدان اشاره دارد که آغاز کارها باید با بندگی و اتصال به خدایی به نام الله صورت گیرد. در سوره حمد که مهم‌ترین آیه قرآن و ام‌الکتاب (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۸۴۵) یا به عبارتی مادر مهربان قرآن دانسته می‌شود علاوه بر ذکر نام الرحمن و الرحیم در ابتدای سوره، در خود آن نیز مجدداً به این دو نام الهی اشاره می‌شود.

وجود ماده رحمت در قرآن

علاوه بر نقش برجسته آیه رحمت در قرآن، در موارد متعددی به صورت مستقیم به رحمت و مشتقات آن اشاره شده است. در تمامی سوره‌های قرآن، حتی سوره توبه، مشتقات رحمت وارد شده است و در کل ۵۶۳ مرتبه مشتقات رحمت در ۴۲۵ آیه ذکر شده به این معنا که به‌طور متوسط تقریباً در هر صفحه از قرآن می‌توان مستقیماً به رحمت نگریست و اندیشید در مقابل، تنها ۲۴ مورد غضب و مشتقات آن در قرآن وارد شده است.

سایر اسماء الهی با تضمن معنای مهربانی

قرآن در ۱۶۶ موضع به‌طور مستقیم به الرحمن و در ۲۰۷ موضع به نام رحیم اشاره دارد همچنین در موارد متعددی به مهربانی او در قالب نام‌هایی مانند الودود، الرؤف، الغفور، الغفار، غافر الذنب، قابل التوب، التواب، الغفور، البرّ، الکریم، الرزاق، الرب، المستعان و ... اشاره شده است؛ در این موارد مستقیماً به یکی از نام‌هایی که مهربانی او را تبیین می‌کند اشاره دارد.

سایر اسماء الحسنی

در قرآن اسماء مختلفی برای خدا برشمرده شده است که نقش محوری در فهم آیات قرآن دارد؛ به عبارتی تمامی اسماء که به صورت گسترده در قرآن مشاهده می‌شوند و اساس قرآن و راه شناخت خداوند است همه با وجود اشاره کردن به اسم و صفی الهی به الله، الرحمن و الرحیم بازمی‌گردد، چرا که تعدد اسماء الهی باعث تعدد مسمی و چندگانگی معنای آن (یعنی ذات یکتای خداوند) نمی‌شود (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۸۰)؛ جمیع مسلمانان نیز خود را موحد و یگانه‌پرست می‌دانند؛ پس هرگاه هر نام الهی را در قرآن مشاهده کردیم قبل از این که این نام، معرفتی بیافریند، می‌دانیم کماکان او مهربان است و تغییری در ذات او صورت نپذیرفته؛ در واقع با اصل وحدت معنوی اسماء الهی اگر با نام الهی

در اندیشه شیعی عقل از جایگاه بلندی برخوردارست و پیش از آن که مؤمنان برای شناخت خداوند به نقل اعم از قرآن و سنت بپردازد، لازم است از نظر عقلی، وجود و کمال خدا آشکار شده باشد، هنگامی که در سیری عقلی به وجود خداوند به عنوان منشأ تمام کمالات پی می‌بریم، در می‌یابیم که او منشأ مهربانی نیز باید باشد، هر چند همان عقل حکم کند تفاوتی بین مهربانی خالق و مخلوق وجود دارد؛ لذا هنگامی که از منظر رحمت به خداوند پرداخته شود باید دارای رحمت باشد و آن را از دیگری نگرفته باشد و هر رحمتی هم که در غیر او مشاهده شود از او باشد؛ به عبارتی او واجب‌الرحمه و غیر او ممکن‌الرحمه باشد. این حکم عقل در متون اسلامی نیز تأیید شده است و خداوند را موجودی مهربان می‌داند و با اسماء الحسنی و در رأس آن، الرحمن و الرحیم دانسته شده است. اگر خداوند بی‌نیاز مطلق، غنی و صمد دانسته شود، از نظر عقلی این که این بی‌نیاز، از سر نیاز خلق کرده باشد محال است و علت دیگری برای خلقت جهان فرض نمی‌شود مگر مهربانی که این حکم عقلی در قرآن نیز تأکید شده است و علت خلقت، مهربانی دانسته شده است. (هود/ ۱۱۹).^۱

قرآن و مهربانی

قرآن، کلام خداوند و مخلوق خاص او می‌باشد، شخصی که از نظر عقلی به خدایی رسیده که خلقتش براساس رحمت است، از نظر عقلی از چنین کتابی انتظار رحمت دارد، پس عقلاً پژوهشگری که به دنبال مهربانی در قرآن می‌شود باید به نتایج قابل توجهی برسد؛ برای یافتن مفهوم مهربانی در قرآن یا به عبارتی معتبرترین متن تاریخی مسلمانان، می‌توان از چند منظر به قرآن نگریست:

آغاز شدن قرآن و سوره‌های آن با آیت مهربانی

قرآن با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آغاز (حمد/ ۱) و مذهب تشیع و شافعی این جمله که در آغاز تمامی سوره‌های قرآن به جز سوره توبه^۲ تکرار می‌شود را آیه‌ای از قرآن می‌دانند و از نظر فقهی در نمازها باید این آیه را به همراه حمد و سایر سوره‌ها خواند؛ علاوه بر این، اهمیت این آیه چنان است که حتی در نمازهای اخفاتیه - که باید سوره‌های قرآن در نماز آهسته خوانده شود - بلندخواندن این آیه پسندیده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ص ۱۷۹/ حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۸۱/ محقق داماد، سیدمحمد، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۷۰)؛ جمله‌ای که منادی بندگی خدایی است که به مهر آفریده و بلند ادا کردن آن در نقطه‌های اساسی

۱. إِلَّا مَنْ رَجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَفَهُمْ.

۲. در سوره نمل علاوه بر آغاز سوره در متن سوره نیز به عنوان جمله آغازین نامه حضرت سلیمان تکرار گشته است (نمل/ ۳۰).

واقع اگر خداوند به بنده‌ای اسم عطا می‌کند و در نهایت او را کلمه می‌داند مهربانی‌اش نیز، باید مورد لحاظ قرار گیرد؛ به عبارتی اگر حضرت آدم یا سایر جانشینان الهی شایسته دریافت اسمی الهی شده‌اند، ربطی به مهربانی دارد؛ همان‌گونه که فرشتگان نیز اطلاع داشتند، انسان موجودی است که قابلیت فساد و ظلم را دارد درحالی‌که قابلیت مهربانی به خویش و خلق خدا نیز در او قرار داده شده است؛ در واقع انسان به دلیل خاصی می‌تواند بدترین موجود هستی شود؛ او که به اختیار و آزادی، خود را در پست‌ترین جایگاه مورد تصور در جهان آفرینش قرار داده، می‌توانسته با جهاد نفس و به برکت همان آزادی برای نیل به قلّه مهربانی و مکارم اخلاق و فضیلت‌ها، به بالاترین جایگاه برسد؛ در واقع انسان از این جهت قابلیت جانشینی خدا را دارد که می‌تواند گزینه اخلاق، مهربانی و سایر فضائل را با همه سختی‌هایش، با اختیار انتخاب کند و با روشن شدن روز افزون چراغ اسماء الهی در جهان بیرون و درون، مسیر خود را تا جانشینی خدا یا همراهی با ایشان بیابد.

بخشش - مهربانی، نبوت و جانشینی خدا

هنگامی که خداوند به نبی خود با مشتقات نبی، امر می‌کند، از او می‌خواهد که به بندگان خبر دهد که او بخشنده و مهربان است (الحجر/۴۹) در واقع، نبوت معنا ندارد مگر این‌که در دل خود، خبر از بخشش و مهربانی خدا داشته باشد، از این روی نبأ عظیم (نبأ/۲)، که به مهم‌ترین امر در نبوت اشاره دارد نیز باید به مسأله‌ای بپردازد که به عظمت پیامبر در مهربانی بپردازد و چه مسأله‌ای مهم‌تر از جانشینی جانشین خداوند مهربان‌ترین؟ لذا در روایات مستفیضه نقل شده است که نبأ و خبری بزرگ‌تر از جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام نبوده است (فیض کاشانی، همان، ج ۴، ص ۲۷۴).

اخلاق نیکو و مهربانی پیامبر اسلام در قرآن

قرآن پیامبر را با ویژگی والای اخلاقی (قلم/۹) و نرم خو معرفی می‌کند و این ویژگی را هدیه‌ای از دریای مهر الهی می‌داند و راز جذابیت ایشان را چنین امری برمی‌شمرد و تصریح می‌کند اگر انسانی بدخلق، خشن و سنگدل بودند مردمان از گرد او دور می‌شدند و در سایه همین نگاه مهربان به بندگان خدا، تشویقش می‌کند تا مهربانی خود را با نوشیدن جام ظهور اسم الهی العفو و بخشیدن ایشان افزون کند و با رنگ اسم الهی الغفور برای ایشان از خدا آمرزش خواهد و در تکریم ایشان به مدد نام الهی الکرم با وجود دارا بودن علم الهی، ایشان را در مشاوره‌ها شرکت دهد و در انجام کارها بر مهر خداوندی قادر و وکیل تکیه کند و این گونه در آرامش دشت توکل قرار گیرد (آل عمران/۱۵۹) شخصی که قرآن او را آن‌چنان نجیب توصیف می‌کند که دیگران او را با همه دانشش، شنونده خوبی می‌شناسند و هنگامی که جاهلانه او را گوش خطاب و تمسخر می‌کنند خداوند این

الحسب یا الأول، مواجه شدیم می‌دانیم. در واقع او ذوالرحمة الحسیب یا ذوالرحمة الأول است و قس علی هذا، به این معنا که تمامی نام‌های او در سایه رحمت او، تعریف می‌شوند حتی در مورد اسم المنتقم و آیاتی که در ضمن خود، به غضب الهی اشاره می‌کنند، این اصل، همواره این سؤال معرفتی و تاریخی را مطرح می‌کند که چرا خدای ارحم الراحمین که همواره براساس رحمت عمل کرده است و مهربانی دیگران و مادران هم از اوست، در مواردی خود را منتقم می‌نامد؟

مهربانی، خلافت و کلمه بودن انبیاء و اولیاء الهی

اگر از نظر عقلی، خداوند با مهربانی همراه است و تمام اسماء الهی باید به نحوی به مهربانی اشاره کنند، عقل حکم می‌کند که فرستادگان، جانشینان و دوستان خاص او، یعنی انبیاء و اولیاء الهی نیز باید در قله‌هایی از مهربانی قرار گیرند از این منظر، قرآن، علاوه بر نام‌های الهی که با کلمات، خداوند، صفات و رحمت او را به بندگان معرفی می‌کنند، وسیله معرفی رسالتی نیز دارد که مهربانی او را با اندیشه، گفتار و کردار خود به مخاطبان قرآن نشان دهد از این روی پیام‌آوران الهی، که اسماء الهی را با کتاب خدا، آموزش‌ها و مناجاتشان با خداوند معرفی می‌کنند، نیز به آن معنای واحد مهربان اشاره می‌کنند، افرادی که نامشان در قرآن در کنار نام خداوند قرار گرفته است؛ این افراد که بسان نامی الهی به معنایی واحد اشاره می‌کنند در قرآن کلمه نامیده شده‌اند (نساء/۱۷۱). استعاره‌ای که به قدرت شناساندن خداوند توسط ایشان می‌پردازد؛ طبیعی است هنگامی که خداوند خود را مهربان‌ترین می‌داند، پیامبرانی که پیام او را حمل می‌کنند و به گونه‌ای کلمه و اسمی از برای پروردگار یکتایشان شده‌اند نیز باید در جایگاه ویژه‌ای از مهربانی قرار بگیرند و بالآخره پیامبر اسلام که در نظر مسلمانان آخرین و والاترین پیامبر است نیز باید در جایگاه ویژه‌تری از مهربانی قرار گیرد، به گونه‌ای که رسول بودن از جانب اله مهربان معنی داشته‌باشد؛ به همین دلیل قرآن پیامبر را مهربانی بر عالمیان معرفی می‌نماید (انبیاء/۱۰۷)، گویا پیامبری که از جانب خداوند محمود و ستودنی است، ستوده نمی‌شود مگر به مهربانی و بندگی خدایی مهربان؛ گرچه مقام پیامبر در نگاه مسلمانان والاترین مقام است ولی از حیث رسالت طبق آیات قرآن تفاوتی بین پیامبران الهی نیست (بقره، ۱۳۶ و ۲۴۵/آل عمران، ۸۴/نساء ۱۵۲) به عبارتی هیچ گاه اختلافی بین آنان نیست.

مهربانی و جانشینی خدا از ابتدای آفرینش آدمی

هنگامی که خداوند اراده کرد بر روی زمین یک جانشین قرار دهد، جانشینی انسان در زمین برای فرشتگان سؤال شد که چگونه انسانی که قادر به فساد و ظلم به خویش و دیگران است، می‌تواند جانشین خداوند بر روی زمین شود؟ پس از آموزش اسماء و کلماتی به حضرت آدم توسط خداوند به حکمت جانشینی آدم و امثال او اشاره می‌کند (بقره/۳۳) در

سکوت روحانی را می‌ستاید و می‌گوید چنین سکوتی از برای شما نیکوتر است و این سکوت را از مهربانی او می‌داند و آنان که از بهشت مهربانی او رویگردان شوند را وارد شده به آتش غضب می‌داند (توبه/۶۱). همین‌طور در آیات دیگری از قرآن به روحیه‌ی احترام گذاشتن به همسر در ایشان اشاره دارد، آیاتی که پیامبر برای مهربانی، محدوده شرع درباره خود را تنگ و خود را در مواردی محروم می‌سازد (تحریم/ ۱-۳) البته این خلق نیکوی ایشان تنها در دایره خانواده نمی‌گنجد بلکه اگر رنجی به انسانی رسد به روی سخت می‌گذرد و برای رها کردن آدمیان از نادانی و گمراهی، بسیار تلاشگر و امیدوارست و نسبت به آنان که به او ایمان می‌آورند مهر ویژه‌ای دارد (توبه/ ۱۲۸) و همان‌گونه که خداوند خود را رؤف و رحیم می‌نامد او را نیز چنین معرفی می‌کند (نور/ ۲۰). حد و مرز ابراز مهربانی ایشان، جسارت افراد ظالمی است که از این مهربانی سوء استفاده می‌کنند و به اعمال خشن خود ادامه می‌دهند؛ در این مورد نیز او به گونه‌ای معرفی می‌شود که مؤمنان از جام مهربانی او می‌نوشند و ایمان، مهربان‌ترشان می‌گرداند و به یکدیگر به صورتی ویژه مهربان هستند و چنین مؤمنانی در برابر کافرانی قسی‌القلب، با ویژگی شدید یا استوار توصیف می‌شوند به عبارتی این افراد حتی در برابر ستمگران، دچار بیماری قساوت قلب نمی‌شوند؛ بلکه در کنترل چنین افرادی با شدت و قدرت عمل می‌کنند (فتح/ ۲۹).

معرفی اجمالی پیامبر اسلام

براساس حدیثی می‌توان شخصیت تاریخی آرام، دلنشین و مهربان پیامبر را چنین به نظاره نشست: به هر کس می‌رسیدند، سلام می‌کردند، کلامشان متین بود و زشت صحبت نمی‌کردند؛ محبت دیگران هرچند کم، در نظرشان بزرگ بود؛ امور دنیوی آن حضرت را خشمگین نمی‌کرد؛ وقتی پای حق در میان بود کسی ایشان را نمی‌شناخت و چیزی در مقابل خشمشان تاب مقاومت نداشت تا حق را پیروز گردانند؛ در هنگام خشم چهره خود را با ناراحتی برمی‌گردانند و در خوشحالی، چشم به زیر می‌انداختند؛ بیشتر خنده‌شان تبسم بود؛ بسیار زیبا لبخند می‌زدند؛ به نیازهای مردم می‌پرداختند و آنان را به آنچه باعث بهسازی ایشان بود، از جمله با جویا شدن احوالشان مشغول می‌کردند؛ می‌فرمودند: هر کس به من دسترسی ندارد، حاجتش را به من برسانید، زیرا هر کس نیازمند می‌شود را که خود قادر نیست آن را به حاکم برساند، در نزد حاکم مطرح نماید، خداوند او را در قیامت ثابت قدم خواهد فرمود؛ در بین مردم زبان خود را، جز در مواردی که به ایشان مربوط می‌شد، نگاه می‌داشتند، در میان مردم تحبیب قلوب می‌کردند و آنان را از خود نمی‌رانند؛ خوشرویی خود را از مردم دریغ نمی‌کردند؛ از اصحاب خود سراغ می‌گرفتند و از مردم در مورد مسائلی که بین خود مردم بود سؤال می‌کردند، بدون افراط و تفریط، نیکی را تحسین و بدی را تقبیح می‌کردند؛ میانه‌رو و یکسان بودند، هیچ‌گاه غفلت نمی‌کردند تا مبدا مردم غفلت کنند یا خسته شوند؛ در حق کوتاهی و

از حق تجاوز نمی‌کردند؛ اطرافیان‌شان از بهترین مسلمانان نیکوکار بودند و بالاتر از همه نزد آن حضرت آن بود که خیرش به همه می‌رسید و هر کس نسبت به دیگران بهتر همدلی می‌کرد نزد آن حضرت منزلتی بزرگ‌تر داشت؛ با همنشینان خود یکسان برخورد می‌نمود تا کسی گمان نبرد دیگری نزد آن حضرت گرامی‌تر است؛ هر کس با آن حضرت همنشین می‌شد حضرت در مقابل او آن قدر صبر می‌کردند که اول خود او بلند شود و مجلس را ترک کند؛ هر کس از ایشان حاجتی داشت یا با دست پر برمی‌گشت یا در جواب، گفتاری نرم دریافت می‌کرد؛ برای مردم همچون پدری مهربان بودند؛ در مورد حق، همه در مقابل ایشان یکسان بودند؛ مجلس ایشان، مجلس حلم، صبوری، راستگویی و امانت بود؛ صدا در آن جا بلند نمی‌شد و از کسی هتک حرمت نمی‌گردید و لغزش کسی بازگو نمی‌شد؛ همه از روی تقوا با هم برابر و متواضع بودند؛ افراد بزرگ‌تر را احترام و به کودکان مهربانی می‌نمودند و افراد نیازمند را بر خود ترجیح و افراد غریب را پناه می‌دادند؛ با همنشینان همواره خوشرو، ملایم و خوش برخورد بودند؛ خشن، داد و فریادکن و بدزبان نبودند؛ نه عیب‌جویی می‌کردند و نه حمد و ثنای کسی را می‌گفتند؛ در مقابل آن چه دوست نمی‌داشتند، خود را به غفلت می‌زدند؛ کسی از ایشان نومید نمی‌شد و آرزومندان‌شان بدون بهره نمی‌گشتند؛ و سه کار را در مورد مردم انجام نمی‌دادند: کسی را مذمت و تقبیح نمی‌کردند؛ لغزش‌ها و مسائل پنهانی افراد را دنبال نمی‌کردند؛ در موردی سخن می‌گفتند که امید پاداش الهی داشتند؛ در مقابل افراد ناآشنایی که در گفتار و درخواست، روش درستی نداشتند صبر کرده و حتی یاران ایشان به دنبال چنین افرادی می‌گشتند و می‌فرمودند: وقتی نیازمندی را دیدید که در پی برآوردن نیاز خویش است او را کمک کنید؛ ستایش افراد ضعیف الایمان و منافق را نمی‌پذیرفتند و کلام کسی را قطع نمی‌کردند مگر زمانی که خود چنان کند یا وقت بگذرد که در این صورت کلام او را یا با نهی کردن و یا ترک جلسه قطع می‌کردند (با گزینش و ویرایش از: صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۶۳۵-۶۴۴)؛ این روایت که هماهنگ با قرآن از اخلاقی، می‌گوید که در زبان پارسی مثل شده به خُلقِ محمدی (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۷۱۳) این که چنین فردی را ریشه خشونت در جهان اسلام بدانند از انصاف به دور است، کسی که به شهادت قرآن و احادیث با همه مهربان است و همواره از خویش مراقبت می‌کند تا مبدا بندگان خدا از او برنجند و در جهت شکوفایی ایشان تلاش شایان خود را انجام می‌دهد؛ بررسی بیشتر اخلاق ایشان فراتر از این نوشتار و نیازمند مطالعات بیشتری است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، صص ۱۹۴-۲۹۴).

نفی خشونت از پیامبر در جنگ بنی قریظه

گاه برای اثبات عدم مهربانی پیامبر به نقل‌های تاریخی ضعیفی درباره جنگ‌های زمان ایشان به ویژه حواشی غزوه بنی قریظه می‌پردازند، واقعه‌ای

دل و آن فضا جاری کنند (نور/ ۳۵-۳۸) خانه‌هایی که در طول تاریخ همواره مورد بزرگداشتی ویژه از جانب پروردگار بوده و دستور ویژه الهی است که برای وارد شدن بدانجا باید اذن گرفت (احزاب/ ۵۳).

نمونه‌ای از مهربانی اهل بیت در تاریخ اسلام

امام حسن (ع) و حسین (ع) در کودکی سخت بیمار شدند؛ حضرت علی (ع) و فاطمه (س) و فضا، نذر کردند اگر شفا یافتند سه روز، روزه بگیرند، چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند؛ حضرت علی (ع) مقداری جو قرض نمودند و حضرت فاطمه (س) با آن نان پختند، هنگام افطار مستمندی بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم یا اهل بیت النبوه! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من دهید؛ آن‌ها، وی را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند؛ روز دوم را هم روزه گرفتند و هنگام افطار، یتیمی بر در خانه آمد و آن روز نیز ایثار کردند؛ روز سوم اسیری جنگی بر در خانه آمد و بار سوم نیز غذای خود را به او دادند؛ صبح‌هنگام، حضرت علی (ع) دست دو فرزندشان را گرفتند و خدمت پیامبر (ص) مشرف شدند؛ هنگامی که پیامبر (ص) دیدند آن دو از شدت گرسنگی می‌لرزند، برایشان گران آمد و برخاستند و حرکت کردند و هنگامی که وارد خانه حضرت فاطمه (س) شدند دیدند درحالی‌که گرسنه‌اند و چشم‌هایشان به گودی نشسته، با تاب‌آوری^۱ ویژه‌ای، در محراب عبادت ایستاده‌اند، پیامبر (ص) بسیار اندوهگین شدند؛ در همین هنگام جبرئیل، نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند با این اهل بیت به تو تبریک می‌گوید، سپس آیاتی از سوره «انسان» را بر ایشان خواند (انسان، ۵-۲۳/ شوشتری، ۱۳۹۳، صص ۱۷۱-۱۵۷/ امینی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۰۷-۱۱۱/ حسان، ۱۴۱۱، صص ۳۹۳-۴۰۸).

اهل بیت‌الرحمه و النبوه

در زیارت جامعه، اهل بیت، معدن‌الرحمه یا اصل مهربانی معرفی شده‌اند (صدوق، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۶۱۰) و متون اسلامی اهل بیت، را اهل خانه پیامبران الهی و با ویژگی‌هایی چون مهربانی، دانش، اخلاص در عبادت و در یک کلام عمل صالح معرفی می‌کند. ایشان ساکنان حقیقی خانه مهربانی و افرادی راستگو و میانه رو هستند؛ افرادی که نبی‌الرحمه نیز در جمع ایشان است؛ رهبری با ایشان و قرآن‌شناسان از بین آن‌ها هستند و راهنمایی که به سوی پروردگار و مبارزه با دشمنان او و پیامبر مهربانش، استوار بودن در امور الهی، در طلب رضایت الهی بودن، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات و به جا آوردن حج و ... فرا می‌خواند (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، ص ۲۲۴). ساکنان خانه‌ای که هیچ‌گاه باعث گمراهی دیگران نشوند (عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳، ص ۳۵۰)؛ آنان که درخت آگاهی

که در معتبرترین متن تاریخی مسلمانان یعنی قرآن تنها در یک آیه بدان اشاره شده و حواشی آن وارد نشده است (احزاب/ ۲۶) اما خارج از قرآن و در روایات دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس داستان پردازی‌هایی پیرامون کشتار دسته‌جمعی قبیله بنی قریظه وارد شده است؛ این نوشتار گنجایش نفی خشونت‌های مختلف از پیامبر در غزوات مختلف به‌ویژه غزوه بنی قریظه را ندارد، اما پژوهش‌هایی توسط افرادی مانند هانس جانسن، سیدبرکات احمد، ولید نجیب عرفات و سیدجعفر شهیدی صورت پذیرفته است که همه به‌گونه‌ای اصل واقعه را زیر سؤال می‌برند. (Jansen, 2007, pp 126-128/ Ahmad, 1979, pp 126-128, / Arafat, 1976, pp 100-107 شهیدی، ۱۳۶۲، صص ۷۳-۸۹)

مهربانی اهالی معنوی خانه پیامبران و جانشینان الهی

اهل‌البیت به معنای اهالی یا منسوبان به خانه پیامبر می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۹۶-۹۸)، البته نگاهی که قرآن را تنها به ظواهر آن حمل می‌کنند در بین بسیاری از مسلمین به‌ویژه اهل ادبیات جایگاهی ندارد چرا که پیامبر قرآن را دارای آیات و عباراتی معرفی می‌کنند که دارای ظاهر، باطن و اسرار ویژه‌ای است (سیدرضی، ۱۴۲۲، ص ۲۶۳) بنابراین برای یافتن معنایی ژرف از اهل بیت باید به قرآن و احادیث رجوع کرد. معروف‌ترین آیه قرآنی شامل این اصطلاح، آیه ۳۳ سوره احزاب است: «هر آینه، خدا خواسته از شما اهل بیت هر گونه ناپاکی را بردارد و شما را پاکیزه گرداند»؛ برخی مفسران با توجه به این آیه به عصمت اهل بیت تأکید کرده و افرادی مانند حضرت رسول، امیر المؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین و ۹ امام از فرزندان ایشان - علیهم صلوات الله - را افراد این کلی دانسته و با توجه به کتاب‌های شیعی و سنی اشاره کرده‌اند که لزوماً همسران پیامبر ذیل این معنای مصطلح قرار نمی‌گیرند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، صص ۳۰۹-۳۲۰) در آیه‌ای دیگر هنگامی که به بانویی دلشکسته و بشاش یعنی ساره، همسر حضرت ابراهیم، یا ظرف شایسته اعجاز الهی که در پیری به صورت معجزه‌آسا مژده بارداری پیامبری به نام اسحاق داده شد از اهل بیت خوانده شده است (هود/ ۷۱-۷۳). همچنین در قرآن به صورت مجزا اشاره شده که اهل بیت پیامبر بودن لزوماً با رابطه ژنتیک و پدر و فرزندی هم پدید نمی‌آید؛ هنگامی که پسر حضرت نوح در آستانه غرق شدن قرار می‌گیرد، خداوند به او می‌گوید او از اهل تو نیست و به تعبیری آن قدر به خود و دیگران ستم کرده که جزء اهل بیت پیامبری چون او قرار نمی‌گیرد (هود/ ۴۵ و ۴۶) و در ویژه‌ترین آیه به خانه‌هایی رهنمون شده که اهالی آن در نور به سر می‌برند و اسباب هدایت و دعوت دیگران به خدای مهربان و اهل یاد کردن دائم چنین مهربانی هستند؛ در واقع این خانه‌ها، جایگاه افرادی شده که خداوند به ایشان اجازه داده نام‌های مهربان او را در

۱. اشاره به اصطلاحی در روان‌شناسی به نام Resilience؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. [۴۴]

وحیانی هستند؛ از خانه‌ای که جایگاه فرشتگان و انبیاست و صاحبان آن، دارای کلیدهای حکمت و ایشان امانت الهی در بین مردم باشند؛ (صفر، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۵۶) ساکنان خانه برکات، پاکی، عصمت (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۳۸) و نعمت الهی (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۳) و جایگاه اسرار الهی و افرادی که فرشتگان به ایشان احترام گذارند و چون عضو غیر نبی ایشان را خطاب قرار دهند فرشته دیده نشود؛ (کلینی، ۱۴۲۹، صص ۵۴۷-۵۵۲) نیکنانی که چون کسی ایشان را به سرپرستی برگزیند سعادتمند شود، همان‌ها که پناه مهربان بندگان خدا (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۴۵) و اصل ایثارگری و استوانه مقاومتِ خوبان و افراد مورد اطمینان خداوند مهربان به همه ذرات کائنات هستند (صدوق، همان/ ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۸۳ و ج ۵، ص ۲۸۳).

تعریف اصطلاح اهل بیت

از آن چه گذشت معنای اهل بیت تا حدی آشکار شد و می‌توان اصطلاح اهل بیت را این گونه تعریف کرد: شایستگان آرامش در سرای یادِ پروردگار، خانه مهربانی و فضیلت‌های اخلاقی؛ در واقع اهل بیت در کلام دین به معنای ظاهری، ساکنان خانه‌ای که با ابزار و آلات زمینی ساخته شده نیست؛ بلکه در کلام بلاغی قرآن و روایات اسلامی، اشاره به انسان‌هایی در طول تاریخ دارد که با یاد دائمی معبود و اهل ذکر بودن، با تلاش و بندگی خود در نظام عدالت‌تکوین و تشریع آفریننده‌ای دادار، دارای کمالات الهی گردیده‌اند؛ در دایره اول این صحن و سرای نورانی که از آفرینش حضرت آدم تا کنون ادامه داشته، انبیاء و جانشینان ایشان و افراد شاخصی که توسط این راستگویان تعیین شده قرار داشته‌اند و در مرحله بعدی، یاران فداکار ایشان که گرچه هیچ‌گاه از نظر جایگاه به ایشان نمی‌رسند، اما افرادی هستند که با تلاش، به ایشان شبیه و موفق شده‌اند اهل رحمت، برکت، بخشش و کرامت شوند. خط اهل بیت پس از آغاز پیامبری رحمة للعالمین، با توجه به اهمیت راهنمایان پس از ایشان و تأکیدات بسیار در گم نشدن مسیر ایشان از مهر الهی، تبادر اذهان پژوهشگران در مورد اصطلاح اهل بیت بر روی حضرت محمد - صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا (س) و ائمه دوازده‌گانه رفته، ایشان که مصادیق اصلی و کامل آن پس از ظهور شریعت اسلام می‌باشند، در واقع برای وارد شدن به این خانه بهشتی و باقی ماندن در میان در و دیوارهای پرشکوه دانش، مهربانی، نور، آرامش، یادِ خدا، ایثار، تلاش، امید و... باید به ایشان احترام گذاشت و اجازه‌ای قلبی گرفت تا بتوان در زمره ایشان بود و ماند (ر.ک. صدوق، ۱۳۹۵).

مهربانی و تفسیر قرآن: حلقه مفقوده در شناخت قرآن

قرآن کتاب خداوندی است که مهربانی‌اش خارج از تصورست؛ لاجرم

این لایتنهای از حیث حکمت و مهر و سایر کمالاتست که معنای کلیت قرآن را می‌داند، کتابی که تنها لفظ نیست و در پس آن معنایی اسرارآمیز نهفته است؛ این که بهترین تفسیر و تأویل از قرآن را خداوند بداند شکی نیست ولی در میان آدمیان، بدون شک آن که توانسته بیشترین صفات الهی را جاری کند، نبی‌الرحمه است؛ او که توانسته جانشین به صدق خداوند مهربان و کامل بر روی زمین باشد و چنین صدیقی می‌تواند از آیات الهی و تفسیر آن با گفتار و رفتار خویش سخن بگوید، او که شایسته شده تا کلام خدا را برای بندگان خود بیاورد و پیامبری از جانب او باشد؛ در یکی از آیات قرآن که به روش‌شناسی^۱ تفسیری قرآن، اشاره دارد، بیان شده این کتاب آسمانی و حکیم دو نوع آیه دارد: الف- آیات صریح و روشن، ب- آیات متشابه و تفسیرپذیر؛ افرادی که قلب و روان ناسالم دارند به دنبال فتنه - که در نگاه قرآن بدتر از قتل و مفهومی خشونت‌آمیز خوانده شده (بقره/ ۱۹۱) - می‌گردند، از این آیات پیروی می‌کنند تا فتنه‌انگیزی و خشونت‌ورزی کنند و اشاره می‌شود که تفسیر این آیات را کسی نمی‌داند جز خداوند و افرادی که در متن قرآن کنار نام خداوند مهربان قرار می‌گیرند و به او عطف می‌شوند یعنی راسخون که دانشمندانی الهی و در منتهی درجه ایمان به خداوند و کلیت کتاب او هستند و تنها افرادی با قرآن دلشان روشن می‌شود و از آن پند می‌گیرند و استفاده می‌کنند و هدایت می‌شوند که افرادی عاقل باشند (آل عمران/ ۷) این آیه در واقع به یکی از روش‌های شناسایی قرآن توسط خودش می‌پردازد، به عبارتی هر کتابی برای فهمش می‌تواند توصیه‌هایی داشته باشد و اشکالی نیست، کتابی سرشار از راز برای درک خود روشی ارائه دهد؛ برای مثال هیچ‌کس به نویسنده هوشمند و حکیمی که اشاره کرده باشد بخش‌هایی از کتابش به صورت کُذ نوشته‌شده و کلید کُدها در دستان فرد یا افرادی است، اشکالی نمی‌گیرد، آری اگر این کتاب دارای ارزش‌های والایی باشد و به قدرت یا سیاست نیز ارتباطی داشته باشد، به شیوه‌ای جان این صاحب کلید در خطر می‌افتد؛ حال نقد چنین کتابی با نگاهی ظاهری و برخورد با آن مانند سایر نوشته‌ها خنده‌دار است؛ ممکن است مخاطب چنین کتابی صوری پیشه نکند و قصد استفاده از قرآن با توجه به آیات غیرمتشابه را نداشته باشد و روش فهم آن را نپسندد و با نگاهی ظاهری به حکمت چنین روشی در کتابی که باید قرن‌ها از تحریف مصون بماند (حجر/ ۹) پی نبرد، در نگاه اول اشکالی به چنین فردی نیست ولی اگر قصد مطالعه نقادانه یا پس از ایمان به آن از طریق قسمت‌های عادی آن تلاش دارد به ژرفای آن و استفاده حقیقی از آن برسد، راهی ندارد جز سر نهادن به شیوه‌ای که خود کتاب بدان اشاره می‌کند؛ رجوع به افرادی که راسخون نامیده شده‌اند و عقل، دانش، مهربانی، حکمت، اخلاق و تمام نکات عالی انسانی الهی در ایشان جمع شده باشد.

1. Methodology

راسخون در علم، ثقلین و اهل بیت

در مقدمه کتاب البرهان فی تفسیر القرآن به صورت مفصل به روش‌شناسی و پیش‌نیازهای وارد شدن عمیق به قرآن و تفسیر آن اشاره شده و در این سیر برای معرفی راسخون و ثقلین از احادیث تشییع و تسنن بهره جسته است، برای اختصار به سطرهایی از آن می‌پردازیم؛ در حدیثی در معنای آیه مورد نظر ائمه اطهار چنین تفسیر می‌کنند: رسول‌الله - صلی‌الله علیه‌وآله - و اهل بیت او بهترین راسخون در علم می‌باشند و خداوند به او تمامی تأویل و تنزیل را آموزش داد و شایسته نیست پروردگار چیزی را به پیامبرش آموزش‌دهد در حالی که جانشینان او چیزی ندانند بلکه تمامی آن را می‌دانند و زمانی که عالمان به تأویل آیه‌ای را تفسیر کنند و این‌گونه از سوی خدا پاسخ دهند کسانی که تأویل قرآن را نمی‌دانند، گویند: به تأویل شما از قرآن ایمان آوردیم و همه‌اش از جانب پروردگار است؛ آری، قرآن عام و خاص، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ دارد و راسخون در علم از این موارد آگاه هستند؛ جابرین یزید جعفری از امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند که پیامبر (ص) در مینا در خطبه‌ای فرمودند: ای مردم! از میان شما می‌روم درحالی‌که در میان شما ثقلین و دو امانت گران‌بها به‌جا می‌نهم، تا زمانی که بدان‌ها دست یازید هرگز گمراه نگردید: کتاب خدا و اهل‌بیت که این دو جدا نگردند تا این که در حوض بهشت به من ملحق گردند؛ ای مردم! در میان شما سه گوهر محترم به جای نهادم: قرآن، اهل‌بیت و کعبه سپس امام باقر فرمودند: قرآن را منحرف (با تفسیر جاهلانه) و کعبه را ویران کرده و اهل‌بیت را کشتند و امانت‌های الهی را پشت سرانداختند و از ایشان دوری گزیدند.^۱ امام حسین (ع) از پدرشان امیرالمؤمنین (ع) در مورد بازماندگان پیامبر (ص) یعنی قرآن و اهل بیت پرسیدند که ایشان فرمودند که مراد از ایشان من، حسن، حسین (ع) و ۹ امام از نسل امام حسین می‌باشد که نهمی از ایشان مهدی قائم (ع) است و قرآن و ایشان از هم جدا نگردند تا به محضر پیامبر خدا در حوض بهشت مشرف شوند. مسعده بن صدقه از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمودند: خداوند ولایت ما اهل‌بیت را قطب قرآن و قطب تمامی کتب آسمانی قرار داد که بر گرد آن مُحکَمات قرآن می‌شود و با آن کتاب‌های آسمانی هدایت‌گری کنند و ایمان آشکارا شود و پیامبر خدا فرمان دادند از قرآن و اهل‌بیت محمد (ص) پیروی شود و این در آخرین خطابه‌ای بود که فرمودند: درحالی‌که ثقلین یعنی دو بازمانده گران‌بها در میان شما به‌جا می‌گذارم از پیشتان می‌روم، ثقل اکبر که کتاب پروردگارم و ثقل اصغر که اهل بیتم باشند؛ پس حُرمت مرا در این دو نگاه دارید که مادامی که به این دو دست یازید، گمراه نگردید (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۳-۷۰).

تحلیل روایات شناخت راسخون و ثقلین

از مختصری که اشاره شد مانند دالانی به وادی گسترده‌ای در روش‌شناسی تفسیری قرآن، می‌رسیم، حاصل این که نگاه ظاهری به قرآن کریم شناسای حقیقت و ژرفای آن نیست و گرچه هر انسانی با دیدی فطری و مهربان به آن، می‌تواند برداشت‌هایی متناسب با واقعیت کند اما راه حقیقی خوشه‌چینی از این مزرع الهی همراه‌شدن با راسخان یعنی پیامبر (ص) و اهل‌بیت اوست، آنان که صفات الهی و مهربانی در ایشان متفق گردیده است؛ به عبارتی برای فهم اصیل قرآن باید در محضر پیامبر و اهل بیت نشست؛ در سه قرن نخست اسلام حضور این معلمان در بین مردم در مدت ۲۵۰ سال راه شناخت قرآن را آسان‌تر کرده بود، اما از ابتدای ظهور اسلام نیز موانعی بین حق پویان و پیامبر و فهم پیام قرآن وجود داشته و تلاش برای تداوم یافتن عدم شناخت قرآن تا امروز ادامه دارد؛ در سال‌های ابتدایی ظهور اسلام در مکه و در کمی تعداد مسلمانان، دشمنی‌های صورت گرفته توسط خشونت‌ورزان حق‌پوش (کافر)، هدفی را مجسم می‌کرد و آن نرسیدن پیام محبت نبی‌الرحمه به جامعه‌ای بود که فراموش کردن خداوندی مهربان از برای ایشان مصالحی را در پی داشت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۷). جالب این که چنین افرادی که پس از فتح مکه بدون خونریزی از جنایاتشان در گذشته شد، نزدیک به یک قرن در آن سال‌های تأثیرگذار حکومت و این بار در لباس اسلام موانعی برای نرسیدن پیام اسلام ایجاد و برای رساندن پیام حقیقی دین سد ایجاد می‌کردند و در آشکارترین حرکت، یزید، فرزندزاده پیامبر و تنها یادگار او در آن روزگاران یعنی امام حسین (ع) از مصادیق اتم راسخون در علم و حدیث ثقلین را با تفاسیری اسلامی به بدترین شیوه سر برید و نزدیک‌ترین افراد به خانواده پیامبر (ص) را به اسارت کشید و از کوفه تا شام به حرکت در آورد (ابن سعد، ۱۹۶۸، ج ۶، ص ۴۴۱ و ج ۳، ص ۴۰۹). در چنین شرایط مخوفی که انتقال علمی و عملی پیام قرآن نتایجی خونبار به همراه داشت، یعنی از ابتدای ظهور اسلام تا ابتدای غیبت کبری، احادیث پیامبر و اهل‌بیت به علاقه‌مندان به اسلام انتقال داده می‌شد، اما نباید هیچ‌گاه سایه این شرایط بر انتقال فهم قرآن و تأثیراتی که بر مردم آن زمانه با اعتقادات مختلف و روحیه‌های اخلاقی متفاوت ایشان در برخورد با حکومت‌های دیکتاتور را داشت، مورد غفلت قرار گیرد، شرایطی که انتقال پیام قرآن برای قرآن‌شناسان راستین یا اهل بیت را دشوارتر کرده بود و اینان که همواره جان حق‌پویان و خانواده‌های ایشان در ارتباط با خود را مورد خطر می‌دیدند و برای رهایی از این شرایط بغرنج و حفظ جان‌های محترم راهکار قرآنی تقیه و توریه را از ابتدای اسلام ارائه دادند (عاملی، ۱۴۱۵، ج ۳، صص ۱۰۲-۱۰۷) گذشته از آن، در شرایط عادی انتقال حدیث در طول این سال‌ها و

۱. حدیث اشاره شده یعنی حدیث ثقلین از احادیث مشهور است و در دانش کلام یعنی به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است، کتاب عبقات الأنوار را می‌توان مستندترین کتاب در زمینه بررسی این حدیث دانست، کتابی که این حدیث و طرق روایت و دلالت آن را بر مبنای اهل سنت و شیعیان بررسی می‌کند (ن.ک. هندی، ۱۴۰۴، جج ۱۸-۲۲).

زمانی کامل فهمیده می‌شود که اسماء الهی با موشکافی بررسی شوند و هم معنا بودن همگی اسماء الهی مورد لحاظ قرار گیرند هر چند تقدم صفت مهربانی بر سایر صفات، بر اصالت و مبنا بودن آن، تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهشگران عصب‌شناس، روان‌پزشک و روان‌شناس در تحقیقات خود به نقش مثبت مهربانی و شفقت دست یافته‌اند و شاید اولین و ابتدایی‌ترین سؤالی که پس از این تحقیقات از فرهنگ‌های اخلاقی و ادیان مختلف من جمله اسلام پدید می‌آید، جایگاه مسئله رحمت در اسلام است و از این نوع سؤالات.

مهربانی در اندیشه دینی - اسلامی، توصیه‌ای فرعی و اخلاقی نیست بلکه جایگاه آن اساسی است.

از نظر عقلی خداوند مبدأ کمالات و مهربانی است و بی‌نیازی این کمال مطلق عقلاً ایجاب می‌کند که دلیلی جز مهربانی برای خلقت وجود نداشته باشد، مسئله‌ای عقلی که قرآن نیز آن را تأیید و تأکید می‌کند. قرآن، با بسم‌الله الرحمن الرحیم آغاز می‌شود و الهی پرستیدنی و ستودنی می‌باشد که به جمیع آفریده‌هایش مهربان است.

سایر نام‌های الهی نیز همگی به همان ذات مهربان از دیدگاهی دیگر اشاره می‌کنند؛ در واقع قرآن که شامل الفاظ متعددی است به گرد هسته نام‌های مهربان الهی می‌شود که همه به‌گونه‌ای به مهربانی الهی بازمی‌شود؛ همین‌طور قرآن متنی است که به مفسر صادق نیاز دارد؛ بدون شک آگاه‌ترین مفسر آن خداوندی است که رحمت لایتنهای دارد و سپس پیامبری که ستوده به مهربانی و رحمه‌للعالمین است؛ در نتیجه افرادی که مهربان‌تر می‌باشند و در قلّه‌های مکارم اخلاق قرار دارند شایستگی تفسیر و شناساندن قرآن را دارند؛ افرادی مانند ثقلین و راسخون که حقیقت مهربانی را در خود یافته و پرورش داده و به نوعی با وجود خود تبدیل به آیه و اسمی الهی شده‌اند که رحمت الهی را در دل می‌نشانند؛ همچنین هنگامی که به مفهوم مهربانی می‌نگریم به اصالت مهربانی نه تنها در گام‌های اولی تفسیری، بلکه در سایر شاخه‌هایی که ریشه در تفسیر قرآن دارند پی می‌بریم؛ لازم به ذکر است برای اینکه مهربانی بیشتر شناخته شود نیاز به تلاش‌های علمی و عملی و پژوهشی بیشتری است تا مهربانی اصیل در نگرش اسلام بازشناسی شود و از زاویای مختلف، کامل، کاربردی و در ظرف‌های مختلف آن بیشتر دیده شود و رحمت را در غالب بین فردی مسلمانان و مؤمنان و غیرمسلمانان و حتی به حیوانات و غیرجانداران نیز بررسی شود و ادعیه و عبادت‌هایی که مؤمن را به خدای مهربان‌ترین متصل می‌کند یا زیارت‌هایی که زائر در دریای رأفت حرم صالحان غرقه می‌شود و ... به عنوان مراقبه‌هایی مشاهده شود تا بتوان با

پس از آن برای فراهم آمدن میراث گران‌بهای تاریخی و حدیثی پیامبر و اهل بیت علاوه بر خون‌های ریخته‌شده، اختلاف فهم مخاطبان و محدود تر بودن عقول و احتمالات عقلی مخاطبان راسخون و همین‌طور اشتباهات احتمالی که در نقل احادیث رخ می‌داد یا افتادگی‌های مختلف از پازل احادیث و وجود افراد کم دقت یا دروغ گو در این بین روش دیگری را برای فهم متون اسلامی ملزم می‌کرد که همواره در فهم این متون باید ملاحظه می‌شد، نکات تفسیری که در تفسیر متون مختلف اسلامی باید مورد لحاظ قرار گیرند تا آن فهم با حقیقت گفتار راسخون سازگاری داشته باشد و نکته مهم و نهایی این که با فرض دست‌یابی به متون صحیح در این بین با رعایت روش مخصوص فهم قرآن و سایر متون اسلامی که به یاری علمی مانند اصول فقه، علم رجال، درایه‌الحديث و ... فهمی ژرف پدید می‌آید، در مرحله آخر فقاقت و درایت و شمه‌عالمان دینی از ابتدای اسلام تا به امروز در فهم و تفسیر و شناساندن قرآن به مسلمین و جهان، نقش مستقیم ایفاء کرده است.

اصالت مهربانی

از آن‌جا که جدایی قرآن و اهل بیت، قابل تصور نیست و با توجه به نقش محوری ایشان در تفسیر قرآن و با توجه به این که راسخون، رحمت واسعه الهی در میان آفریده‌های خداوند هستند و با در نظر گرفتن اصل وحدت معنوی اسماء الهی و شاخصیت اسم‌هایی که به رحمت الهی اشاره دارد و الرحمن الرحیم بودن مدلول تمامی اسماء الهی، یعنی ذات الهی می‌توان اصالت مهربانی را چنین بیان کرد: اصلی عقلی، قرآنی و حدیثی، حاکی از عدم جدایی مهربانی و مهربان‌ترین‌ها در تفسیر قرآن؛ به این معنا که همواره برای فهم قرآن و متونی که فطرت انسانی مخاطب اصلی آن می‌باشند باید بیش از همه مهربانی گسترده الهی مورد نظر قرار گیرد؛ همین‌طور برترین‌های ممدوح در قرآن را باید مهربان‌ترین افراد به خویش و مخلوقات خداوند دانست و با توجه به این مناطق ارزشمند، به عیارسنجی فهم خود بپردازیم؛ لازم به ذکر است معنای این اصل نفی آیات عذاب ظالمان و از این صنف نمی‌باشد چرا که گاه ترحم بر پلنگ تیزدندان، ستمکاری بر گوسپندان تلقی می‌شود؛^۱ رعایت این اصل عملاً نقطه اتصال قرآن و سایر متون اسلامی و کلمات پیامبر و اهل بیت مهربانی را از منطقه‌ای قلبی، عقلی و فطری میسر می‌سازد و در مواردی که فهم قرآن به دلیل عدم حضور معصوم یا نبود روایتی قابل توجه، سخت می‌شود می‌توان با برجسته دیدن مهربانی و مهربانان در قرآن به فهمی متفاوت دست یافت، همین‌طور با توجه به امکان استخراج اسماء الهی از همه جملات قرآن و بازگرداندن آن به اسماء الهی در قامت افرادی که در غایت قرب الهی تبدیل به کلمه شده‌اند نیز وجود دارد؛ همچنین اصالت مهربانی

۱. اشاره به این بیت از گلستان سعدی که در زبان پارسی ضرب‌المثل شده است: ترحم بر پلنگ تیزدندان / ستمکاری بود بر گوسپندان

یعنی «اصالت مهربانی» گفتگوی صلح‌آمیز بین اسلام، دین، علوم تجربی، مطالعات میان‌رشته‌ای، روان‌شناسی و روان‌پزشکی و ... را از جانی دیگر و اساسی، بازگشایی می‌کند و تأثیرات آن بر سلامت به‌ویژه سلامت معنوی و روانی را آشکارتر خواهد کرد.

روش‌های معتبر و به روز علمی، مهربانی و معنویت اصیل اسلامی را به منسوبان علم، حوزه سلامت، معنویت و ادیان ارائه کرد؛ در هر صورت این پژوهش و پژوهش‌های مشابه می‌تواند انگیزه پژوهشگران تجربی، مخصوصاً عصب‌شناسان در بررسی تجربی مهربانی در اسلام را تقویت کند، این همه

Original

Proving the Genuineness of Kindness in Islam

Alireza Zakeri^{1*}, Mohammad Reza Rezvan Talab², Mohammad Javad Mohammadi³

Abstract

Background: "Kindness" is a human truth that not only plays a role between physician and patient, but also the researches of experimental scientists indicate that mercy and compassion can be effective in prevention and control of certain illnesses; on other hand Islam as a divine religion is the source of human virtues including kindness and in this regard it can support the cultural and health goals.

Methods: This descriptive-analytical research has also utilized library method (classical and modern) and reputable scientific sources in the Internet.

Results: The Islam divine BOOK, Quran, introduces Allah with two names with the origins of Rahmat, and almost all of its surahs introduce the CREATURE with these two names and there are lots of words which are collateral and synonymous of the word kindness and other Allah names refer to a single and merciful Lord; Although the meaning is not directly kindness and plenty of fundamental contents can be found for being fundamental meaning in the Quran and other Islamic sources.

Conclusion: 1. The placement of kindness is noble in Quran. 2. Islam can not recognize without priority of the kindness virtue in exegesis and lives. 3. Concentrating on kindness in Islam can promote in health especially in the area of spiritual and mental health. 4. It is necessary to make more research in Islamic and experimental sciences area to find the importance of kindness in health with a native approach.

Keywords: Health, Interdisciplinary Research, Islam

منابع

1. Makarem Shirazi N. Translation of the Quran (Makarem). Qom: Office of History and Islamic Studies; 1994.
2. Ebrahimi I. The place of divine mercy in the interpretations of the two parties. Journal of Comparitave Tafsir Studies 2016; 2(3): 85-104. [In Persian]
3. Amini A. Al-Ghadir in Al-Kitab wa Al-Sunnah wa Al-Adab. Qom: Al-Ghadir Center for Islamic Studies; 1995.
4. Ibn Abi al-Hadid A. Sharh Nahj al-Balaghah. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
5. Ibn Sa'd M. Al-Tabqat al-Kubra. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya; 1968.
6. ibn Qalwiya Qomi. Kamel Al-Ziyarah. Najaf: Darl sl Mortazavia; 1937.
7. Ibn Hisham A. The Biography of the Prophet by Ibn Hisham. Beirut: Dar al Marefat.
8. Bahrani S. Tafsir al-Burhan. Tehran: Besat; 1996.
9. Haskani O. Evidence of Al-Tanzil. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization; 1991.
10. Hakimi M. The translation of Al-Hayat. Traslated by Aram Ahmad. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 2001.
11. Hali J. Al -Mu'tabar. Qom: Seyed al Shohada Publication; 1987.
12. Havizi A. Tafsir Noor al -Thaqalin. Qom: Ismaili; 1995.
13. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University Publication; 1994.
14. Ragheb Isfahani H. vocabulary in Gharib Al-Quran. Beirut: Dar al Alam; 1992.
15. Morteza Zubaidi M. Taj al-□Arus Min Jawahir al-Qamus. Beirut: Dar Al Fikr; 1994.
16. Seligman M. Learned optimism. Translated by Elham Sadat Afraz. Tehran: Green Spring; 2016. [In Persian]
17. Sharif al-Radi M. Prophetic Punishments. Qom: Dar al Hadith; 2001.
18. Sayyid Razi. Nahj al -Balaghah of Imam Ali (AS). Qom: Hijra Foundation; 1994.
19. Shushtari S. The truth of truth and the falsehood of falsehood. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1973.
20. Shahidi SJ. Analytical History of Islam. Tehran: Publisher: University Publishing Center; 1983. [In Persian]
21. Sahib Ibn Ibad I. The environment in the language. Beirut: World of books; 1994.

1. *Corresponding Author: The PhD student of Theology, University of Tehran

2. University of Tehran, Associate Professor, Faculty of Theology

3. University of Tehran, Assistant Professor, Faculty of World Studies

22. Ibn Babawiyah M. Al- Tawhid. Qom: Congregation of Teachers in the Scientific Field Baqam, Islamic Publishing Foundation; 2019.
23. Ibn Babawiyah M. The text and translation of Ayoun Akhbar al-Reza. Translated by Ali Akbar Ghafari. Tehran: Sadoogh Publication; 1994.
24. Ibn Babawiyah M. Kamal al-Din and all the blessings. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya; 2016.
25. Saffar M. Seeers of degrees in the virtues of the family of Muhammad. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
26. Tabatabai S. Translation of Tafsir Al-Mizan. Qom: Qom Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office; 1997.
27. Ameli J. The correct from the biography of the Great Prophet. Beirut: Dar al Hoda; 1995.
28. Hamiri A. Gharb al-Asnad. Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them, for the revival of heritage; 1993.
29. Askari H. al-Foroogh Loghaviyeh. Qom: Islamic Publication; 2000.
30. Ayashi M. Al-Tafsir. Tehran: Islamic Scientific Library; 2001.
31. Farahidi K. Al- Ain. Qom: Hijra Foundation; 1989.
32. Razi F. Mafatih al-Ghayb. Beirut: Dar Ehya Torath al-Arabi; 2000.
33. Faiz Kashani M. Tafsir al-Safi. Tehran: Maktab al-Sadr; 1995.
34. Klini M. Al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith; 2008.
35. Kufi E. Tafsir Euphrates Al-Kufi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Foundation; 1990.
36. Majlisi M. Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ehya Torath al-Arabi; 1983.
37. Mohaghegh Damad SM. Ketab al-Salat. Qom: Congregation of Teachers in the Scientific Field Baqam, Islamic Publishing Foundation; 1996.
38. Mohammadi Rishahri M. Mizan al-Hikma. Dar al-Hadith; 2007.
39. Marandi A, Rostami M, Larijani B, Farhadzadeh A. Strategies for Promoting Islamic Spiritual Health. Journal of Culture and Health Promotion 2019; 3(2): 186-193. [In Persian]
40. Nasr bin Mazahim. The Safin incident. Qom: Library of Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
41. Hindi M. The worship of lights in the Imam of the Imams; Hadith of Al-Ghadir. Qom: Grand Ayatollah Boroujerdi Publication; 1984.
42. Ahmad B. Muhammad and the Jews: A Re-Examination. New Delhi: Vikas Publishing House; 1979.
43. Arafat WN. "New Light on the Story of the BanūQurayẓa". Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland 1976; 100-107.
44. Bajaj JS, Ellwood M, Ainger T, Burroughs T, Fagan A, Gavis EA, Heuman DM, Fuchs M, John B, Wade JB. Mindfulness-Based Stress Reduction Therapy Improves Patient and Caregiver-Reported Outcomes in Cirrhosis. Clin Transl Gastroenterol 2017; 27;8(7): e108.
45. Hofmann SG, Grossman P, Hinton DE. Loving-kindness and compassion meditation: potential for psychological interventions. Clin Psychol Rev 2011; 31(7): 1126-32.
46. Jansen H. De Historische Mohammed: De verhalenuit Medina [The historical Muhammad: The stories of Madina]. Amsterdam: Antwerp; 2007.
47. Khoury B. Compassion: Embodied and Embedded, Mindfulness 2019; 10: 2363-2374.
48. Peterson Ch, Seligman M. Character Strengths and Virtues: A Handbook and Classification, Oxford: Oxford University Press; 2004.
49. Van Cappellen P, Toth-Gauthier M, Saroglou V. et al. Religion and Well-Being: The Mediating Role of Positive Emotions. J Happiness Stud 2016; 17: 485-505.
50. Wade James B, Hayes Rashelle B, WadeJames H, BekensteinJonathan W., WilliamsKristin D, Bajaj Jasmohan S. Associations between Religiosity, Spirituality, and Happiness among Adults Living with Neurological Illness. Geriatrics 2018; 3(3): 35.
51. Weng Helen Y, Fox Andrew S, ShackmanAlexander J, Stodola Diane E, CaldwellJessica ZK, Olson Matthew C, Et al. Compassion Training Alters Altruism and Neural Responses to Suffering. Psychological Science 2013; 24(7): 1171-1180.
52. Werner E. The children of Kauai : a longitudinal study from the prenatal period to age ten, Honolulu. University of Hawaii Press; 1971